

مالیات زمان عباسیان

دوره اول

حال بشرح واردات یعنی مالیاتهای خالصی که زمان مأمون

ببغداد میرسیده میپردازیم و البته تحقیق این موضوع کار

آسانی نبود چه که تاریخ نویسان اسلام غالباً با مسائل مربوط به جنگ و فتح و کشتار

را جزء تاریخ مینگاشتند و بمسائل مالی و امثال آن توجهی نمیکردند، ولی ما در

ضمن مطالعه کتب تاریخی بسه صورت جامع از مالیات های عصر عباسی برخورداریم

که یکی از ابن خلدون و دیگری از قدامه و سومی از ابن خرداد به میباشد.

این صورت از دو صورت دیگر قدیمی تر است و ابن خلدون آن

۱- صورت حساب و در

را در «مقدمه» خود ذکر نموده میگوید: «آثار هر دولتی نسبت

آمد و هزینه که از ابن

اصل و اساس آن نیرومند میباشد» سپس گفته که این صورت را

خلدون نقل شده است

از «جراب الدوله» نقل نموده و مقدار خراج (مالیات) سالانه ای

که برای مأمون میرسیده در آن مذکور میباشد «اینک پیش از نگاشتن این صورت

حساب اشتباهاتی را که بمرور زمان در استنساخ آن رخ داده تذکر میدهیم، چون

از مطالعه نسخه های چاپی مقدمه ابن خلدون (چاپ مصر و شام) چنین مفهوم شد که در

پاره ای کلمات متشابه اشتباهات خطی واقع شده که طبعاً با اشتباهات معنوی منجر میشود

و باید تصحیح شود و اینک اصلاح آن اشتباهات:

۱- کنگره که درست آن کسگری یکی از نواحی سواد میباشد.

۲- طبرستان، روبان نهند، اما درست آن رویان یکی از نواحی دیلم است.

و در جای خود آنرا ذکر نمودیم و نهند قصبه ای از ایالت ماه (۱) بصره از ایالات جبال

(عراق عجم) میباشد، اما چون روبان در طبرستان (مازندران) واقع شده و با نهند

فاصله زیادی دارد احتمال قوی میرود که آن نام آخری دماوند باشد و چنانکه میدانیم

دعاوند یکی از شهرهای مازندران است .

۳ - مابین کوفه و بصره - چون در هیچ يك از صورت حسابهای دیگر ایالتی باین نام (مابین کوفه و بصره) ندیدیم تصور میرود این نیز اشتباه باشد و عقیده بآرون کرمر مستشرق آلمانی (مابین کوفه و بصره) یکی از نواحی سواد واقع در ماوراءالنهر فرات میان کوفه است . و در صورت های دیگر بنام دیگری ذکر شده است .

اما عقیده ما بر آن است که کلمه مابین تحریف کلمه ماهین (تشبیه ماه) بوده و اصلش ماها البصره و الکوفه (دو ماه بصره و کوفه است) و این دو ناحیه از نواحی جبال است . و چنانکه گفتیم کرسی نشین یکی از آننها و ندومر کز دیگری دینور بوده است و دلیل بر درستی گفتار ما اینکه در صورت ابن خلدون نامی از این دو ناحیه ذکر نشده است .

۴ - ما سبزان و دینار - ما سبزان چنانکه گفته شد یکی از نواحی عراق عجم (جبال) میباشد . ولی دینار تصور میرود تحریف شده کلمه دینار حاکم نشین ماه کوفه است . ولی چون در صورت حساب ابن خلدون نام (ماهین) با هم دیده شده ممکن است دینار در اصل ریان بوده و آن ناحیه ای در نزدیکی کسکر واقع در عراق است . دیگر آنکه در مالیات باره ای اشتباهات هست که تصحیح آن آسان بنظر میرسد ، مثلاً در قسمت مالیات ناحیه دجله چنین نوشته اند مالیات ناحیه دجله يك میایون و هشت در هم بوده ، در صورتی که معمولاً هشت در هم در صورت حساب ذکر نمیشده و صحیح آن باید يك میلیون و هشتصد هزار در هم باشد . « همینقسم راجع بمالیات اهو از رقم ۲۵ هزار در هم ذکر شده و درست آن بیست و پنج میلیون در هم است . و عین این رقم در دو صورت حساب دیگر ذکر شده است ، مورد دیگر راجع بمالیات قومهس است که در نسخه چاپ بولاق میگوید هزار هزار دو مرتبه در هم و پانصد هزار شمش نقره . اما درست آن چنین میباشد يك میلیون و پانصد هزار در هم و هزار شمش نقره و نیز در باره مالیات موصل نوشته شده بیست میلیون رطل عسل و درست آن ظاهراً بیست هزار رطل عسل میباشد . و همینقسم مالیات مصر را هزار هزار . . . و درست آن دو هزار هزار است که با مالیات آنروز مصر تطبیق میکنند . و طبعاً این اشتباهات در موقع کتابت رخ داده است .

دیگر آنکه ابن خلدون سال معینی برای صورت مالیات خود ذکر نکرده و فقط گفته است که مربوط بسالهای خلافت مأمون میباشد. و چنانکه میدانیم مأمون از سال ۱۹۶ تا ۲۱۸ مدت ۲۲ سال خلیفه بوده و در جنگ امین و مأمون کلیه دفاتر دولتی در بغداد آتش گرفت و از سال ۲۰۴ دفاتر تازه تهیه شد. از آنرو میتوان گفت که صورت حساب منقول ابن خلدون مربوط یکی از سالهای میان ۲۰۴ تا ۲۱۹ میباشد. و چون مالیات خراسان با آنچه که مأمون برای آن ایالت در سالهای ۲۱۱ و ۲۱۲ تعیین کرده و بعد از آن بن طاهر را گذارده اختلاف دارد لذا صورت منقول ابن خلدون باید دراجع به یکی از سالهای میان ۲۰۴ و ۲۱۰ باشد.

ضمناً اینرا هم بگوئیم که فون کرمر خاورشناس آلمانی (۱) از صورت منقول ابن خلدون انتقاداتی کرده، میگوید صورت مزبور متعلق بزمان مأمون نیست و باید آنرا از دوره مهدی یا هادی (سالهای ۱۵۸- تا ۱۷۰) دانست؛ دلیل کرمر بر گفته خود آنست که در صورت ابن خلدون از سند و افریقیه نام برده شده در صورتیکه این دو کشور در زمان مأمون از تحت استیلای بغداد درآمده و مستقل شده بودند و قدامه و ابن-خرداد به هم در صورتهای خود از این دو کشور (سند - افریقیه) اسمی نبرده اند حال میگوئیم فون کرمر از خاورشناسان نامی آلمان میباشد و در تاریخ اسلام تحقیق و مطالعه بسیار نموده است معذک در این مورد انتقاد او را از صورت منقول ابن خلدون واهی میدانیم زیرا:

۱- مستقل شدن سند و افریقیه از بغداد دلیل بر آن نیست که هیچ نوع بجاج و خراجی از آن دو ناحیه بیفاد نه پرسیده است، درست است که خاندان اغلی از ۱۸۴ تا ۲۹۶ مستقلاً در افریقیه حکومت میکردند ولی خود مختاری آنان مانع فرستادن مالیات و بجاج و خراج نمیشده است. چنانکه مصر و خراسان و غیره نیز از خود استقلال

۱ - Alfred Freiherr von Kremer

الفرد فرایر فون کرمر ۱۳ ماه مه ۱۸۲۸ در وین متولد شد و در ۲۷ دسامبر ۱۸۸۹ درگذشت. از خاورشناسان نامی، زبان های عربی، عبری، و فارسی را بخوبی میدانسته است. مدتی در قاهره و بیروت کنسول و سرکنسول بوده و در تاریخ تمدن اسلام به خصوص قسمت مالی تبعات و تألیفات مهمی دارد. مترجم

داشتند و باج و خراج هم ببغداد میدادند و بنام خلیفه بغداد خطبه خوانده اورا پیشوای دینی خود می‌شمردند (مانند امرای طاهری خراسان و خاندان طولون در مصر) منتهی اموالی که از آن نواحی ببغداد میرسیده گاه با اسم هدیه و گاه بنام خراج و غیره بوده است، از این گذشته تا سال ۱۸۱ بولی از افریقیه به بغداد نمی‌آمده و فقط از آن سال ابراهیم بن اغلب آن کشور را بسالی ۴۰ هزار دینار مقاطعه کرده و حکمران آنجا گشت و بعید نیست که خاندان اغلب همان مبلغ (۴۰ هزار دینار) را هر ساله تا زمان مأمون ببغداد می‌فرستادند و خلفای عباسی پیوسته افریقیه را جزء ممالک خود میدانستند و برای آنجا حکمران تعیین میکردند و خاندان اغلب را تحت نظر آن حکمرانان محسوب میداشتند.

همین‌قسم راجع به سند گفته‌ابن خلدون درست‌تر در می‌آید چه که مأمون در سال ۲۱۶ حکمرانی بنام عمران بن موسی عتکی برای سند معین کرده با او شرط نمود که پس از وضع کلیه مخارج سالی یک میلیون درهم از سند ببغداد بفرستد و این خود دلیل استیلائی مأمون بر سند میباشد، اگر چه مبلغ یک میلیون درهم خیلی کمتر از مبلغ مالیاتی است که ابن خلدون برای سند نقل میکند و شاید این اختلاف مبلغ بواسطه اختلاف حدود سند بوده که غالباً کوچک و بزرگ میشده است.

اما اینکه اسم سند و افریقیه در صورت قدامه و این خرداد به ذکر نشده شاید از آنروست که در زمان آنان مالیات ایندو کشور قطع شده بود و ممکن است جهات دیگری داشته که فعلاً معلوم نیست.

در هر حال چون ابن خلدون مرد دانشمند با احتیاط محققى بوده اتهام بروی چندان آسان نیست و اولی اینکه اورا با در نظر گرفتن جهات فوق حمل بر صحبت کنیم.

۲- ابن خلدون چنانکه خود گفته بر پاره‌ای از پرونده‌های رسمی دولتی زمان مأمون دست یافته بوده و صورت مالیات و مطالب دیگری را از آن پرونده‌ها در آورده است.

۳- چنانکه گفتیم دفاتر دولتی در جنگ امین و مأمون بکلی سوخته و نابود گشته است و فقط از سال ۲۰۴ هجری دفاتر رسمی تازه مرتب شده است و با اینوصف چگونه

صورت حساب و مالیات سالهای خلافت هادی و مریدی محفوظ مانده بوده است .



ع- معراب مرمر آبی که روی آن گل و بوته و نوشته‌های دیده‌میشود و در محلی موسوم به پنجه‌علی در موصل یافت شد و متعلق بقرن هشتم هجری است

بنابر این تصور می‌رود انتقاد کرمر واهی و گفته ابن خلدون درست باشد و البته دانایان از دانا هم یافت می‌شود .

این صورت از کتاب خراج تألیف قدامه بن جعفر کاتب بغدادی نقل شده است . پدر قدامه مسیحی بوده و در زمان المکتفی (۲۸۹-۲۹۵) اسلام آورده و در دستگاه عباسیان جاه و مقام یافته منصب‌های عالی داشته است و کتابهای بسیاری تألیف کرده که از آن جمله کتاب خراج می‌باشد و ظاهراً این کتاب در حدود سال ۳۱۶ تألیف شده و از پاره‌ای اوراق رسمی که در دسترس وی بوده استنساخ شده است و از متن کتاب چنین بر می‌آید که صورت مزبور متعلق بمالیات سال ۲۲۵ هجری می‌باشد ، در هر حال قدامه در ۳۳۷ هجری در گذشته است و مختصری از کتاب وی که در لیدن (هلند) توسط دی کویه از خاور شناسان نامی هلند چاپ شده بدست ما آمده است .

۴ - صورت منقول از قدامه

۳ - صورت منقول از ابن خردادبه - مؤلف کتاب فهرست میگوید ابن خردادبه رئیس اداره برید در ایالت جبال (عراق عجم) بوده است و در همان اوقات که رئیس برید بوده کتاب مشهور خود موسوم به (المسالك والممالك) را نگاشته است و این صورت نیز در آن کتاب ذکر شده است .

بعقیده دی کویه هلندی (ناشر کتاب المسالك والممالك) کتاب مزبور در سال ۲۳۲ نوشته شده و از آن پس مؤلف (عبدالله بن خرداد به) مطالبی بر آن افزوده که در هر حال تاریخ نگارش آن از ۲۵۰ نمیگذرد . این بود شرح مختصری از سه صورتی که بدست ما آمده و اینک هر يك از آن را بار عایت تقدم در تاریخ مینگاریم که ابتداء صورت ابن خلدون ، سپس صورت منقول قدامه و آنگاه از ابن خرداد به می‌باشد .

صورت مالیات دوره عباسی (زمان مأمون)
نقل از مقدمه ابن خلدون

جنس	نقد (درهم)	نام اقلیم یا شهرستان
دویست جامه نجرانی و دویست و چهل رطل گل مهر و موم (۱)	۲۷/۸۰۰/۰۰۰	سواد
	۱۱/۶۰۰/۰۰۰	کسکر
	۲۰/۸۰۰/۰۰۰	شهرستان دجله
	۴/۸۰۰/۰۰۰	حلوان
سی هزار رطل شکر	۲۵/۰۰۰/۰۰۰	اهواز
سی هزار شیشه گلاب، بیست هزار رطل روغن سیاه (۲)	۲۷/۰۰۰/۰۰۰	فارس
پانصد جامه یمن، بیست هزار رطل خرما	۴/۰۰۰/۰۰۰	کرمان
	۴۰۰/۰۰۰	مکران
صد و پنجاه رطل عود هندی	۱۱/۵۰۰/۰۰۰	سند و توابع
سیصد جامه مخصوص و بیست رطل فانید (۳)	۴۰/۰۰۰/۰۰۰	سیستان
دو هزار شمش نقره، چهار هزار اریابو، هزار برده، بیست هزار جامه، سی هزار رطل هلبله	۲۸/۰۰۰/۰۰۰	خراسان
هزار کلاف ابریشم	۱۲/۰۰۰/۰۰۰	گرگان

۱- گل مهر و موم شبیه بلاک امروز بوده است.

۲- ظاهراً روغن سیاه نفت است.

۳- فانید یا بانید نوعی حلوائی سفید یا قند میباشد.

جنس	نقد (درهم)	نام اقلیم یا شهرستان
هزار شمش نقره	۱/۵۰۰/۰۰۰	قومس (سمنان و دامغان)
ششصد فرش مازندرانی (طبری)	۶/۳۰۰/۰۰۰	طبرستان - رویان و دماوند
دویست عبا، پانصد جامه، سیصد جام،		
سیصد دستمال		
بیست هزار رطل عسل	۱۲/۰۰۰/۰۰۰	ری
هزار رطل رب انار، دوازده هزار	۱۱/۳۰۰/۰۰۰	همدان
رطل عسل		
	۱۰/۷۰۰/۰۰۰	ماه بصره و ماه کوفه
	۴/۰۰۰/۰۰۰	ماسبدان و رویان
	۶/۷۰۰/۰۰۰	شهر زور
بیست هزار رطل عسل	۲۴/۰۰۰/۰۰۰	موصل و توابع
	۴/۰۰۰/۰۰۰	آذربایجان
هزار برده، دوازده هزار خیاک عسل،	۳۴/۰۰۰/۰۰۰	جزیره و توابع آن از شهرستان کرانه فرات
ده بازشکاری، بیست عبا،		
بیست قطعه چوب منبت کاری،	۱۳/۰۰۰/۰۰۰	ارمنستان
و پانصد وسی رطل پارچه پشم		
و ابریشم و خز		
ده هزار رطل پارچه (باجامه)	۱/۰۰۰/۰۰۰	برقه
بشمی سورمه‌ای رنگ، ده هزار		
رطل نیچ، باچادر شب «رخت		
خواب» دویست استر، سی کره اسب		

جنس	نقد (درهم)	نام اقلیم یا شهرستان
صدویست تکه فرش	۱۳/۰۰۰/۰۰۰	افریقیه
	۴۱۸/۶۰۰/۰۰۰	جمع کل
هزار بارزیت (روغن)	۴۰۰/۰۰	قنسرین
	• ۴۲۰/۰۰۰	دمشق
	• ۹۷/۰۰۰	اردن
سیصد هزار رطل زیت	• ۳۱۰/۰۰۰	فلسطین
	• ۲/۹۲۰/۰۰۰	مصر
	• ۳۷۰/۰۰۰	یمن
جنس آن ذکر نشده است	• ۳۰۰/۰۰۰	حجاز
اگر بحساب آن زمان هر پانزده درهم را یک دینار حساب کنیم مجموع دینارهای این ستون ۷۲۲/۲۵۵/۰۰۰ درهم میشود.	۷۲/۲۵۵/۰۰۰	جمع کل بدینار و یا درهم
	۴۱۸/۶۰۰/۰۰۰	جمع کل مالیات شهرستان های شرقی بدرهم
	۴۹۰/۸۵۵/۰۰۰	جمع کل مالیات ممالک شرقی و غربی بدرهم

بطوری که ملاحظه شد، مالیات ممالک شرق، بدرهم و مالیات ممالک غرب (باستثنای برقه و افریقیه) بدینار نوشته شده و ظاهراً برای آنست که معدن نقره در شرق زیاد و در مغرب معدن زرافزون بوده است.

در هر حال مجموع مالیات ممالک مشرق (بضمیمه برقه و افریقیه) $۳۱/۶۰۰/۰۰۰$ درهم و مجموع مالیات سایر ممالک مغرب $۴/۸۱۷/۰۰۰$ دینار بوده که از قرار هر دیناری پانزده درهم (بنرخ آن ایام) $۷۲/۲۵۵/۰۰۰$ درهم میشد و مجموع ایندو رقم $۳۹۰/۸۵۵/۰۰۰$ درهم میشده است.

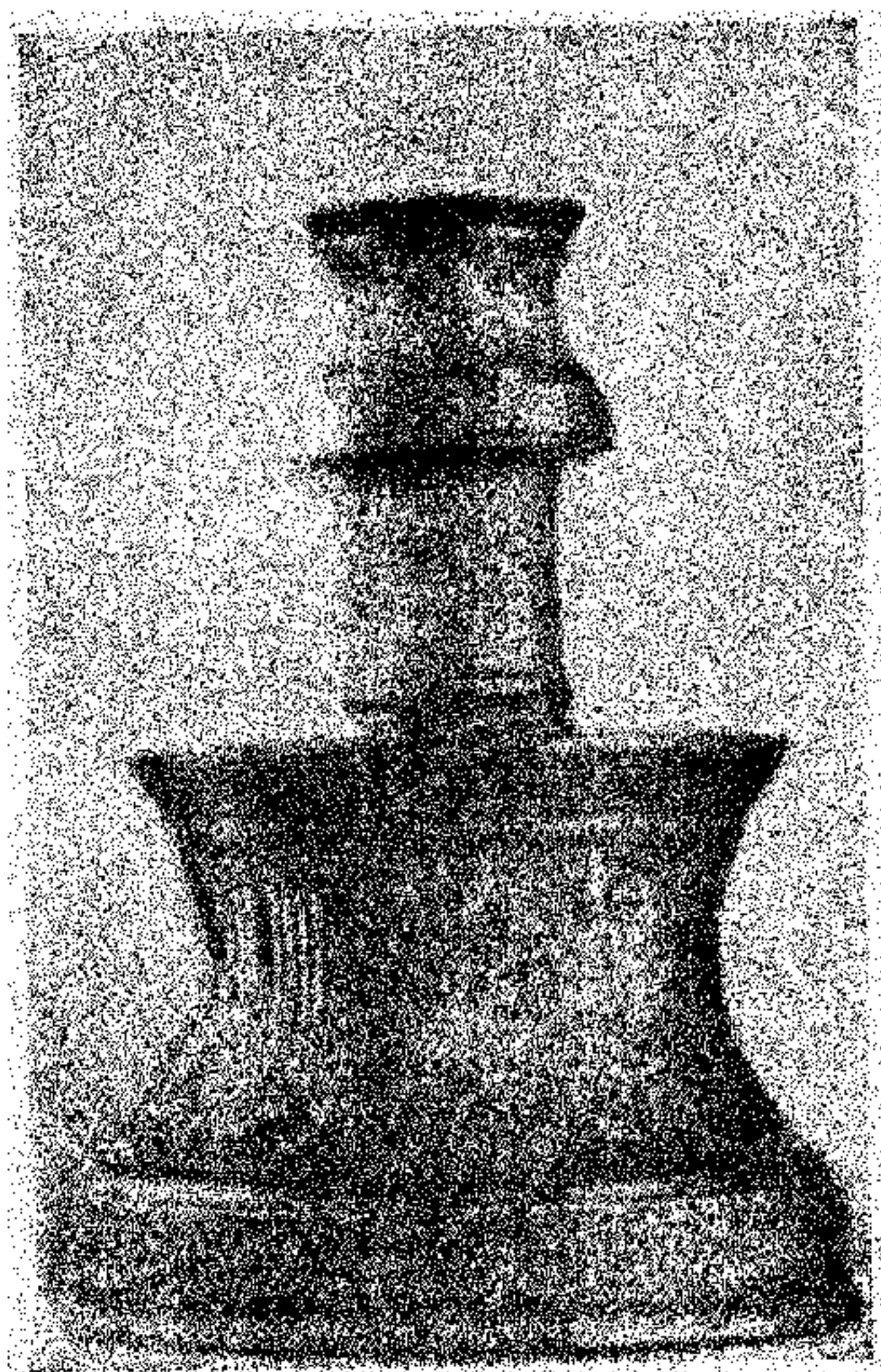
نکته قابل توجه اینست که در نسخه‌ای که فون کرم صورت منقول از ابن خلدون را درج کرده نام دو شهرستان گیلان (جیلان) و کرج ذکر شده است و مالیات شهرستان اولی را پنج میلیون درهم و دومی را سیصد هزار درهم نگاشته است. ولی در نسخه هائی که در دسترس ما قرار گرفته نام این دو شهرستان نیست و شاید فون کرم آنرا از نسخه فون هم نقل کرده باشد و در هر حال تحقیق آن موضوع در اینجا مورد ندارد. بنا بر آنچه گفته شد مالیات یعنی وصولی خزانه مأمون قریب چهار صد میلیون درهم نقد و مقداری هم جنس بوده که بهای تحقیقی آن معلوم نیست. ولی معمولاً بهای اجناس را هم در صورت حسابها تسعیر و تعیین میکرده‌اند.

چنانکه مؤلف کتاب جراب الدوله محصول سواد (حومه بغداد) را که بیشتر آن گندم بوده بنقد تسعیر نموده و بهای آنرا مقابل مالیات نقدی قرار داده است. در صورت حساب قدامه و ابن خرداد به (بزودی ملاحظه خواهد شد) بهای اجناس جریب های سواد مقابل مالیات نقدی ذکر شده است و باین وصف آنچه ببغداد میرسیده مبالغی هنگفت بوده است.

باری چنانکه قبلاً نیز گفته شد، مالیاتی که بخزانه بغداد میرسیده پس از وضع کلیه مخارج محلی بوده است و بمصرف هزینه ادارات بغداد و دربار خلافت و اعمال و اعضای مرکزی میرسیده است.

ممکن است خوانندگان در صحت صورت منقول ابن خلدون تردید پیدا کنند چه که آن مبالغ با مبالغ مالیاتهای معمول این ایام اختلاف بسیار دارد، بقسمی که

ده يك آن مبالغ اکنون در خزانه دولت‌های فعلی باقی نمی‌ماند از آنرو دو صورت



شمعدان مطلای مخصوص دربار خلفاء

حساب قدما و این خرد داده را برای مقایسه با صورت منقول ابن خلدون ذیلامینگاریم.

۲. مالیات دوره عباسیان

در ایام معتصم

مطابق صورت منقول قدامه بن جعفر

در زمان معتصم مالیات نواحی «سواد» بیشتر جو و گندم بوده و قدامه بن جعفر

در صورت حساب خود آنرا بدو قسمت شرقی و غربی تقسیم کرده است.

صورت مالیات نواحی (طسایج) سواد قسمت غربی

اسم ناحیه	گندم بمقدار کر	جو بمقدار کر	نقد به درهم
انباز و نهر عیسی	۱۱/۸۰۰	۶/۴۰۰	۴۰۰/۰۰۰
طسوج مسکن	۳/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱۵۰/۰۰۰
«قطربل»	۲/۰۰۰	۱/۰۰۰	۳۰۰/۰۰۰
«بادوریا»	۳/۵۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰/۰۰۰
بهر سیر	۱/۷۰۰	۱/۷۰۰	۱۵۰/۰۰۰
رومقان	۳/۳۰۰	۳/۳۰۰	۲۵۰/۰۰۰
کوئی	۳/۰۰۰	۳/۰۰۰	۳۵۰/۰۰۰
نهر در قیط	۲/۰۰۰	۲/۰۰۰	۱۵۰/۰۰۰
نهر جویر	۱/۵۰۰	۶/۰۰۰	۱۵۰/۰۰۰
باروسما و نهر ملک	۳/۵۰۰	۴/۰۰۰	۱۲۲/۰۰۰
زوابی سه گانه	۱/۴۰۰	۷/۲۰۰	۲۵۰/۰۰۰
بابل و خطر نیه	۳/۰۰۰	۵/۰۰۰	۳۵۰/۰۰۰

اسم ناحیه	گندم بمقدار کر	جو بمقدار کر	نقد به درهم
فلوجه علیا	۵۰۰	۵۰۰	۷۰/۰۰۰
فلوجه سفلی	۲/۰۰۰	۳/۰۰۰	۲۸۰/۰۰۰
طسوج نهرین	۳۰۰	۴۰۰	۴۵/۰۰۰
« عین تمر	۳۰۰	۴۰۰	۴۵/۰۰۰
« جبه و بداءة	۱/۵۰۰	۱/۶۰۰	۱۵۰/۰۰۰
« سورا و برنسیما	۱/۵۰۰	۴/۵۰۰	۲۵۰/۰۰۰
برس بالا و باین	۵۰۰	۵/۵۰۰	۱۵۰/۰۰۰
فرات با دقلی	۲/۰۰۰	۲/۵۰۰	۶۲/۰۰۰
طسوج سیلحین	۱/۰۰۰	۱/۵۰۰	۱۴۰/۰۰۰
رودستان و هرمزگرد	۵۰۰	۵۰۰	۲۰/۰۰۰
تستر	۲/۲۰۰	۲/۰۰۰	۳۰۰/۰۰۰
ایقاریقین	۱/۲۰۰	۲/۰۰۰	۲۰۴/۸۰۰
کسکر	۳۰/۰۰۰	۲۰/۰۰۰	۲۷۰/۰۰۰

مالیات نواحی شرقی سواد

طسوج بزرگسبور	۲۵۰۰	۲/۲۰۰	۳۰۰/۰۰۰
« راذانین	۴۸۰۰	۴/۸۰۰	۱۲۰/۰۰۰
« نهربوق	۲۰۰	۱/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰
کلواذی و نهرین	۱۶۰۰	۱/۵۰۰	۳۳۰/۰۰۰
جازرو شهر کهنه	۱۰۰۰	۱/۵۰۰	۲۴۰/۰۰۰

اسم ناحیه	گندم بمقدار کر	جو بمقدار کر	نقد بدرهم
روستاد باد	۱/۰۰۰	۱/۴۰۰	۲۴۶/۰۰۰
سلسل و مهرود	۲/۰۰۰	۱/۵۰۰	۱۵۰/۰۰۰
جلولا و جلتا	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰
ذین	۱/۹۰۰	۱/۳۰۰	۴۰/۰۰۰
دسکره	۱/۸۰۰	۱/۴۰۰	۶۰/۰۰۰
بند بیجین	۶۰۰	۵۰۰	۲۵/۰۰۰
طسوج براز رود	۳/۰۰۰	۵/۱۰۰	۱۲۰/۰۰۰
نهر وان بالا	۱/۷۰۰	۱/۸۰۰	۳۵۰/۰۰۰
نهر وان وسط	۱/۰۰۰	۵۰۰	۱۰۰/۰۰۰
بادرایا و پاکسایا	۴/۷۰۰	۵/۰۰۰	۲۳۰/۰۰۰
ناحیه دجله	۹۰۰	۴/۰۰۰	۴۳۰/۰۰۰
نهر صله	۱/۰۰۰	۳/۱۲۱	۵۶/۰۰۰
نهر وان پائین	۱/۷۰۰	۱/۳۰۰	۵۴/۰۰۰
جمع کل هر دو ناحیه	۱۱۵/۶۰۰	۱۲۴/۹۴۱	۸/۸۲۱/۸۰۰

بنابراین جمع کل مالیات نواحی شرقی و غربی بقراردی است :

۱- گندم ۱۱۵/۶۰۰ کر

۲- جو ۱۲۳/۹۲۱ کر

۳- وجه ۸/۸۲۱/۸۰۰ درهم

ولی جمع این ارقام با جمع ارقامی که بطور تفصیل در صورت حساب قدامه

ذکر شده اختلاف دارد چه که قدامه در آن صورت تفصیل مجموع ارقام مالیات سواد را چنین مینویسد :

۱- گندم ۱۷۷/۲۰۰ کر .

۲- جو ۹۹/۷۲۱ کر .

۳- نقد ۸/۰۹۵/۸۰۰ - درهم (باستثنای مالیات بصره) .

و شاید این اختلاف در نتیجه اشتباه کاتب واقع شده و در هر صورت برای اصل موضوع که مورد نظر ماست این اختلاف چندان اهمیت ندارد . اینک گندم و جو را مطابق میزان جعفری پول نقد تبدیل میکنیم .

جعفر دو کر گندم و جو را شصت دینار و هر دینار را پانزده درهم تسعیر کرده و بهای کلیه غلات را ۱۰۰/۳۶۱/۸۵۰ درهم دانسته و مالیات بصره را شش میلیون درهم گفته است .

و بنا بر آن مجموع مالیات سواد و بصره چنین میشود :

۱- مالیات نقد ۸/۰۹۰/۸۰۰ درهم .

۲- بهای جو و گندم ۱۰۰/۳۶۱/۸۵۰ درهم .

۳- مالیات بصره ۶/۰۰۰/۰۰۰

جمع کل ۱۱۴/۴۵۷/۶۵۰ درهم

صورت مالیات ممالک شرقی بروایت قدامه بضمیمه جمع مالیات سواد

نام مملکت	مبلغ نقد بدرهم
سواد	۱۱۴/۴۵۷/۶۵۰
اهواز	۲۳/۰۰۰/۰۰
فارس	۲۴/۰۰۰/۰۰

مبلغ نقد بدرهم	نام مملکت
۶/۰۰۰/۰۰۰	کرمان
۱/۰۰۰/۰۰۰	مکران
۱۰/۵۰۰/۰۰۰	اصفهان
۱/۰۰۰/۰۰۰	سیستان
۳۷/۰۰۰/۰۰۰	خراسان
۹۰۰/۰۰۰	حلوان
۵/۰۰۰/۰۰۰	ماه کوفه
۴/۸۰۰/۰۰۰	ماه بصره
۱/۷۰۰/۰۰۰	همدان
۱/۲۰۰/۰۰۰	ماسبدان
۱/۱۰۰/۰۰۰	مهرگان قدق
۲/۱۰۰/۰۰۰	ایقارین
۳/۰۰۰/۰۰۰	قم و کاشان
۴/۵۰۰/۰۰۰	آذربایجان
۲۰/۰۸۰/۰۰۰	ری و دماوند
۱/۸۲۸/۰۰۰	قزوین و زنجان و ابهر
۱/۱۵۰/۰۰۰	قومس
۴/۰۰۰/۰۰۰	گرگان
۴/۲۸۰/۷۰۰	طبرستان
۹۰۰/۰۰۰	تکریت و تیرهان
۲/۷۵۰/۰۰۰	شهر زور و صامغان
۶/۳۰۰/۰۰۰	موصل و توابع

مبلغ نقد بدرهم	نام مملکت
۳/۲۰۰/۰۰۰	کردی و بهیدی
۹/۶۲۵/۰۰۰	دیار ربیعہ
۴/۳۰۰/۰۰۰	ارزن و میافارقین
۱۰۰/۰۰۰	طرون
۲/۰۰۰/۰۰۰	آمد
۶/۰۰۰/۰۰۰	دیار مضر
۲/۹۰۰/۰۰۰	نواحی فرات
۳۱۱/۵۸۱/۳۵۰ درهم	جمع کل مالیات ممالک شرقی

صورت مالیات ممالک غربی بدینار

مبلغ بدینار	نام مملکت
۳۶۰/۰۰۰	قنسرین و عاصمه‌ها
۲۱۸/۰۰۰	اردو گاه حمص
۱۱۰/۰۰۰	اردو گاه دمشق
۱۰۹/۰۰۰	اردو گاه اردن
۲۹۵/۰۰۰	اردو گاه فلسطین
۲/۵۰۰/۰۰۰	مصر و اسکندریه
۱۰۰/۰۰۰	مکه و مدینه (حرمین)
۶۰۰/۰۰۰	یمن
۵۱۰/۰۰۰	یمامه و بحرین
۳۰۰/۰۰۰	عمان
۵/۹۰۴/۰۰۰ دینار	جمع کل

و اگر دینارهای فوق را از قرار هر دیناری پانزده درهم بدرهم تبدیل کنیم ، رقم زیر بدست میآید ، ۷۶/۷۱۰/۰۰۰ درهم و چون این مبلغ را به مجموع مالیات ممالک شرقی اضافه کنیم جمع کل ، ۳۸۸/۲۹۱/۳۵۰ درهم میشود .

در او اسط قرن سوم هجری بروایت ابن خردادبه ، صورت

۴- مالیات دولت عباسی

حساب قدامه و ابن خردادبه در قسمت مالیات سواد یکسان میباشد ، جز اینکه ابن خردادبه شماره خرمن ها را نیز ذکر نموده که مورد احتیاج ما نیست و فقط گندم وجو و نقدینه آنرا باختصار مینگاریم که از این قرار میباشد :

۱- گندم ۶۳/۴۰۰ کر

۲- جو ۹۱/۸۵۰ کر

۳- نقد ۸/۴۵۶/۸۴۰ درهم

و اگر دو کر گندم و جو را بشصت دینار و هر دیناری را مانند سابق پانزده درهم تسعیر کنیم قیمت گندم وجو ۶۹/۸۶۲/۵۰۰ درهم میشود و چون این مبلغ را بمالیات نقدی اضافه نمائیم رقم زیر :

۷۸/۳۱۹/۳۴۰ درهم بدست میآید .

سپس ابن خردادبه مالیات خراسان و توابع آنرا ذکر میکند . و چنانکه میدانیم از سال ۳۱۲ مالیات خراسان بطور مقاطعه بخاندان طاهریان واگذار شد و در هر حال مالیات خراسان و توابع مطابق صورت ابن خردادبه چنین است :

۱- نقد ۴۴/۸۴۶/۰۰۰ درهم

۲- اسب سواری ۱۳ رأس

۳- گوسفند ۲/۰۰۰ رأس

۴- برده غز ، به قیمت شصت هزار درهم ۲/۰۰۰

۵- کرباس کندچی ۱/۱۸۷ قواره

۶- آهن تخته ۱/۳۰۰ قطعه دوتائی

در آن ایام پنجاه شهرستان مانند ری، قومس، گرگان، کرمان، سیستان، نیشابور، طخارستان، طالقان، ماوراءالنهر، بخارا، سند و غیره جزء خراسان بوده است و طاهریان در آن ممالک مستقلاً حکمرانی داشته و مالیاتی بطور مقطوعه به بغداد میفرستادند در هر حال برای اطلاع از صورت ریز مالیات سواد و توابع خراسان بکتاب المسالك و الممالك ابن خردادبه مراجعه شود.

اینک بطور اختصار صورت مالیات ممالک دیگر را بروایت ابن خردادبه ذکر میکنیم:

ممالک مشرق

نام	مالیات نقد بدرهم
سواد	۷۸/۳۱۹/۳۴۰
خراسان و توابع	۴۴/۸۴۶/۰۰۰
شهرزور و صامغان	۲/۷۵۰/۰۰۰
ماسبدان و مهرگان قدق	۳/۵۰۰/۰۰۰
قم	۲/۰۰۰/۰۰۰
اهواز	۳۰/۰۰۰/۰۰۰
فارس	۳۳/۰۰۰/۰۰۰
قزوین	۱/۲۰۰/۰۰۰
ماه کوفه	۳/۸۰۰/۰۰۰
اصفهان	۷/۰۰۰/۰۰۰
دیارمضر	۵/۶۰۰/۰۰۰

مالیات نقد بدرهم	نام
۴/۰۰۰/۰۰۰	موصل
۷/۷۰۰/۰۰۰	دیار ربیعہ
۴/۰۰۰/۰۰۰	ارمنستان
جمع کل	
۲۷۷/۷۱۵/۳۴۰ درهم	

بدينار	ممالك مغرب
۴۰۰/۰۰۰	قنسرین و عاصمه‌ها
۳۴۰/۰۰۰	اردو گاه حمص
۴۰۰/۰۰۰	اردو گاه دمشق
۳۵۰/۰۰۰	اردو گاه اردن
۵۰۰/۰۰۰	اردو گاه فلسطین
۲/۱۸۰/۰۰۰	مصر
۶۰۰/۰۰۰	یمن
جمع کل	
۴/۷۷۰/۰۰۰ بدينار	

وهر گاه مجموع دینارها را از قراردیناری پانزده درهم تسهیر کنیم ۷/۱۵۵/۰۰۰

درهم بدست میآید و مجموع کل آن چنین میشود :

۱- مالیات ممالك شرق	۲۲۷/۷۱۵/۳۴۰	درهم
۲- " " " غرب	۷۱/۵۵۰/۰۰۰	"

جمع کل مالیات ممالك شرق و غرب ۲۹۹/۲۶۵/۳۴۰ درهم

بنا بر آنچه گذشت در تمام دوره خلفای عباسی زمان مأمون از حیث فزونی در آمد مهمتر از هر دوره و پس از مأمون بتدریج در آمد کم شده و در اواسط قرن سوم هجری چنانکه تفصیل

صورت خلاصه مالیات دوره عباسی

آن بیاید این کسری آشکار گشته است و تا پیش از آن چندان محسوس نبوده است و البته موجباتی داشته که بزودی شرح میدهم. اینک صورت خلاصه در آمد عباسی از روی سه فهرستی که نگاشته شد :

۱- در زمان مأمون در حدود سالهای ۲۰۴ و ۲۱۰ هجری ۳۹۶/۱۵۵/۰۰۰ درهم.

۲- در زمان معتصم یا کمی پس از او تا سال ۲۲۵ هجری ۳۸۸/۱۹۱/۳۵۰ درهم.

۳- در اواسط قرن سوم هجری ۲۹۹/۲۶۵/۳۴۰ درهم (۱)

از مقایسه این سه فهرست معلوم میشود که در نیمه اول قرن سوم کسری در آمد شروع شده است، بخصوص اگر مقدار مالیات جنسی فهرست ابن خلدون را نیز در نظر بگیریم که در آن صورت کسری در آمد بسیار میشود.

و در هر حال بطور متوسط سالی ۳۶۰ میلیون درهم عایدی خالص بخزانه (بیت المال) بغداد وارد میشده است. و تا بحال شنیده نشده است که هیچ دولتی (چه قدیم و چه جدید) چنین عایدی خالصی داشته باشد فقط بطور ضمنی چیزهایی راجع بمالیات ایران و روم میخوانیم که اگر قابل قبول بدانیم آن دو دولت نیز درآمدهای سرشاری داشته اند مثلاً گیون در تاریخ روم (۲) مینگارد که مالیات دولت روم سالی چهارصد میلیون درهم بوده و صد و سی و پنج میلیون آنرا از آسیای صغیر میگرفته اند. و بنا بنوشته ابن خردادبه مالیات ایران در زمان انوشیروان بچهارصد و بیست میلیون مثقال و یا هفتصد و بیست میلیون درهم بالغ میشده است. و بر فرض که صحت این ارقام را بپذیریم باز هم باید بدانیم که هزینه روم و ایران چه مبالغی بود و است و پس از وضع مخارج که مبالغی برای آن دو دولت باقی مانده است، چه که مالیات بیت المال بغداد چنانکه مکرر یاد آوری شده عایدی خالص پس از وضع مخارج کلیه نقاط کشور (باستثنای خود بغداد) بوده

۱- باید در نظر داشت که تاریخهای فوق تقریبی است چه که مالیات پاره ای از ممالک. بعینه همانطور که در فهرست ابن خلدون ذکر شده در فهرست قدما و یا ابن خردادبه و یا بالعکس دیده میشود مؤلف

است. و البته چنان در آمدخالصی بسیار زیاد می باشد و تقریباً بی سابقه است. مثلاً دولت عثمانی در زمان سلطان سلیمان قانونی در اواسط قرن دهم هجری به هتتهای عظمت خود رسیده بود معذلك مالیات آن دولت از هشتصد میلیون دوک یا ششصد و پنجاه میلیون فرانک تجاوز نکرد (۱) و این مبلغ خیلی کمتر از در آمدخالص عباسیان می باشد. و از میان دولتهای عصر حاضر هم هیچ دولتی تا آن مقدار در آمدخالص ندارد. و اینک مصارف آن همه در آمد را شرح می دهیم:

از تاریخ نویسان قدیم عرب کسی را نمی شناسیم که راجع **هزینه دولتهای عباسی** به بودجه و در آمد و هزینه چیزی مستقل نوشته باشد و شاید

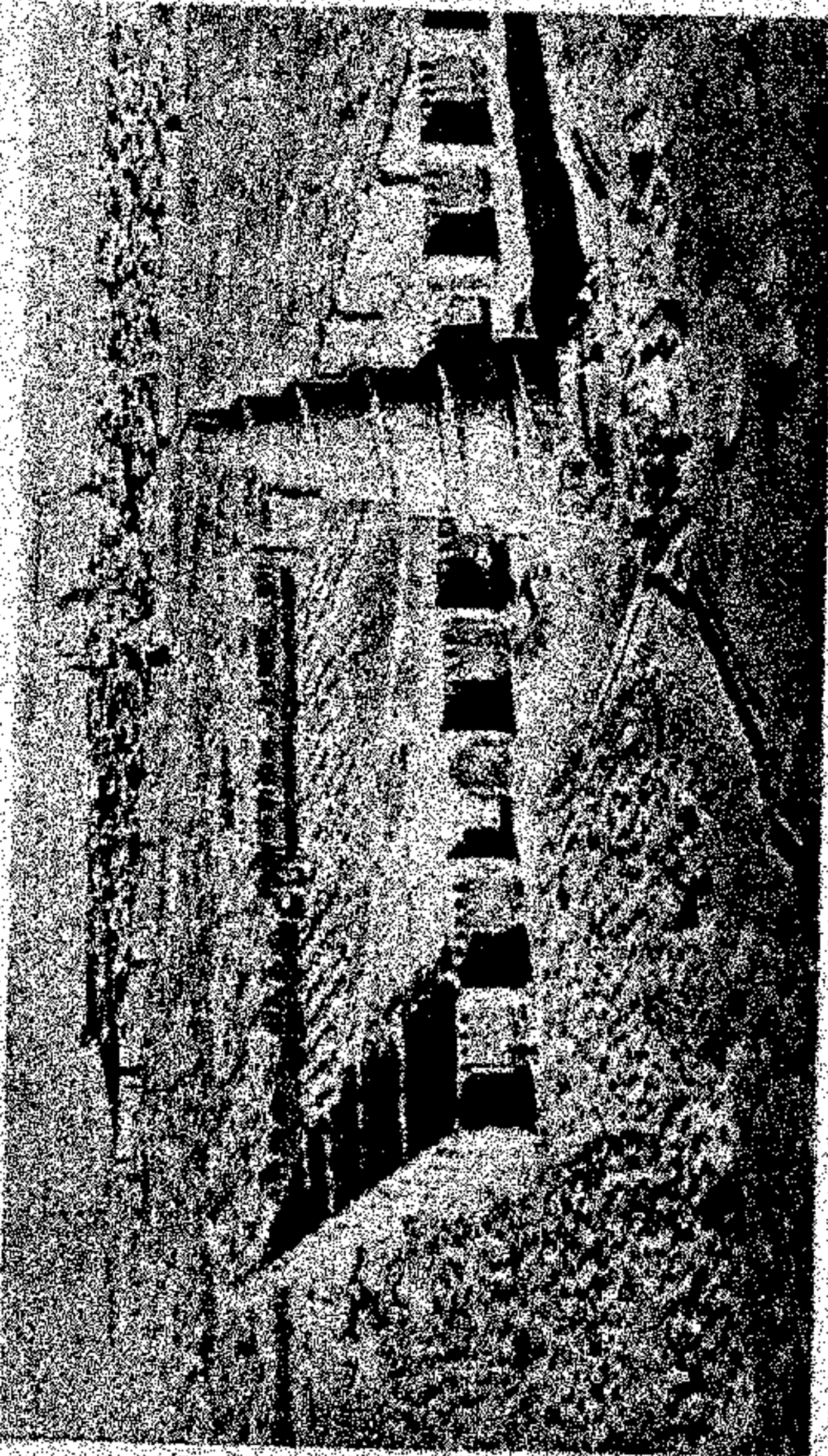
هم نوشته آنان از میان رفته است و اکنون چیزی از آن موضوع در دست نیست، تاریخ نویسان اسلام نیز تحت عنوان (ویامینای) تمدن اسلام راجع بمقدار دخل و خرج و یا اوضاع علمی و اجتماعی و باثروت عمومی مطالب مستقلی نوشته اند مگر اینکه در ضمن شرح وقایع رزمی و یا بزمی اشاره ای بآن موضوعات کرده باشند، فقط ابن خلدون در مقدمه تاریخ خود ضمن صحبت از تجمل و جلال دستگاه دولت عباسی صورت در آمد آن دولت را ذکر کرده است قدامه و ابن خردادبه هم ضمن گفتگو از (برید) آن دو صورت را نقل نموده اند و پاره ای از جغرافی نویسان نیز صورت هائی از مالیات و در آمد دولتهای نوشته اند ولی هیچ يك از آنان صورت هزینه آن ایام را بتفصیل ذکر نکرده اند. فقط از روی قیاس میتوان گفت که از مالیاتهای رسیده به بغداد ابتداء حقوق مأمورین لشکری و کشوری و قضاة و جیره خواران پایتخت داده میشده. همینقسم حقوق مأمورینی که بامر خلیفه بغداد در خارج پایتخت مثل مأمورین برید انجام وظیفه میکردند مقرری پرداخت میشد (۲) و آنچه باقی می ماند تحت نظر خلیفه در بیت المال نگاهداری میشد (۳)

و در هر حال میزان قطعی این هزینه ها معین نیست چه که با تغییر خلیفه و تغییر اوضاع میزان و مبلغ پرداختی تغییر می کرده است و ناکنون مدرکی راجع بآن

۱- Porter's Conse. Hest. of Turkey Ms. - ۱

۲- ابن خردادبه ص ۱۵۳

۳- ماوردی ص ۱۷۹



منظره شهر سامره و کعبه و بارگاه حضرت امام علی النقی و حضرت امام حسن عسکری و سرداب حضرت فاطمه نیز در این عکس نمایان میباشد
ع - دور نمای هوایی جامع قدیمی سامره و کلبسته آن که بنام علویه مشهور است

نوع پرداخت ها بدست نیامده ، فقط باهمت فون کسر صورتی از مخارج سالهای اول دوره معتضد عباسی (۲۷۹ هجری) یافتیم که ذیلاً مینگاریم: این صورت حساب بالغ بر دو میلیون و نیم دینار است که در ظرف سال از قرار روزی هفت هزار دینار بمأمورین لشکری و کشوری پرداخت میشده و احمد بن محمد طائی مأمور پرداخت آنروز ، تأدیه آنرا از خزانه (بیت المال) بغداد تعهد کرده است و سمت و شغل مأمورین و میزان مقرری آنان در صورت ذکر شده است (۱)

صورت هزینه دوات عباسی

در ایام المعتضد بالله سال ۴۷۹ هجری بطور روزانه

دینار در روز

مقرری روزانه کشیک چیان و نظایر آنان مانند دربانان سفید پوست از مردم پای تخت و یابصره و سپاهیان مأمور دربار و امثال آنان و دربانان سیاه پوست و غلامان ناصر.	}	۱/۰۰۰
مقرری غلامان آزاد کرده ناصر معروف بغلامان خاصه		۱/۰۰۰
مقرری سواران ممتاز مشهور با حرار		۱/۵۰۰
مقرری سپاهیان برگزیده که بدلیری و رشادت شهرت داشتند.		۶۰۰
مقرری سوارانی که از زمان ناصر باقی مانده بودند.		۵۰۰
مقرری هفده دسته از ملازمان مأمور در خانه و نامه رسانان و قاریان و خبر گزاران و اذان گویان و ستاره شناسان و فنجامیان و علمداران و شیپورچیان و دلقکان و طبالان و مانند آنان.	}	۱۱۰
مقرری پلیس های بغداد و غیره.		۵۰
بهای خوراک بردگان و غیره.		۳۰۰
هزینه آشپزخانه خصوصی و عمومی و نانواخانه و آشپزخانه حرم و کماشنگان و نانواخانه سیاهان.		$۳۳۳\frac{۱}{۴}$
بهای اشیاء و لوازم آبدارخانه عمومی و خصوصی و جامعه خانه و عطریات و حوایج وضو و اسلحه خانه و غیره.	}	۱۰۰
مقرری سقاهای اطراف قصر و انبارها و نانواخانه ها و خانه های ملازمان.		